



## بررسی رویکرد چین و روسیه به نظم منطقه‌ای در اوراسیا\*



فرزانه صفری - دکتر حمید احمدی - دکتر کیهان بزرگر

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

رویکردهای چین و روسیه نسبت به منطقه اوراسیا به ویژه در سال‌های اخیر در تعامل فزاینده با یکدیگر قرار داشته است. اگرچه مسکو برای اداره روابط منطقه‌ای خود به نهادهای منطقه‌ای چندجانبه از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیایی متوسل شده است و چین نیز ابتکار عمل کمربند-راه را عنوان وسیله اصلی بلندپروازی‌های خود در منطقه اوراسیا قرار داده است، اما در حال حاضر واقعیت‌های ژئوپولیتیک هر دو طرف را به همکاری در چارچوب طرح‌های مزبور سوق داده است. از اکتبر ۲۰۱۵ توافقات و گفتگوهایی برای ادغام طرح‌های منطقه‌ای دو کشور در جریان است و مسکو و پکن تعمیق بی‌سابقه و هماهنگی روابط خود در این منطقه را همواره مورد تأکید قرار می‌دهند، اما با وجود تلاش چین و روسیه برای ادغام و هماهنگی در اجرای طرح‌های منطقه‌ای این پرسش مطرح است که آیا می‌توان همکاری راهبردی فعلی چین و روسیه در ابتکارات منطقه‌ای را دلیل کافی برای ادامه یافتن چنین رویکردی توسط دو کشور در آینده دانست؟ در پاسخ به مساله تحقیق و در چارچوب مفهوم نظم‌های منطقه‌ای، نتیجه کلی این نوشتار نشان می‌دهد که وجود محدودیت‌ها و موانعی که از عمق ادغام و هماهنگی ابتکارات دو کشور می‌کاهد و در کنار آن رویکرد کلان دو کشور نسبت به نظم منطقه‌ای در اوراسیا را می‌توان دلایلی برای حرکت مسکو و پکن از نظم کنسرتی کنونی به سمت نظم هژمون‌محور تلقی نمود.

**کلیدواژگان:** نظم منطقه‌ای، ابتکار کمربند-راه، چین، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، روسیه، اوراسیای بزرگ‌تر، نظم هژمون‌محور

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل فرزانه صفری با راهنمایی دکتر حمید احمدی است.

— دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

— نویسنده مسئول، استاد تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و استاد مدعو گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / ایمیل: [hahmadi@ut.ac.ir](mailto:hahmadi@ut.ac.ir)

— دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Article Link: [https://www.isjq.ir/article\\_129124.html](https://www.isjq.ir/article_129124.html)

## مقدمه

در سال‌های اخیر همگرایی گسترده‌ای بین مسکو و پکن در زمینه تعقیب منافع راهبردی منطقه‌ای دو کشور نمود پیدا کرده که با همکاری روشن دو کشور در اجرای طرح‌های منطقه‌ای همراه بوده است. اگرچه این موضوع نیز پنهان نیست که طرح‌های منطقه‌ای چین و روسیه اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند.

روسیه در سال ۲۰۱۵ کشورهای قزاقستان، بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان را در اتحادیه اقتصادی اوراسیا گرد هم آورد و این اتحادیه به آخرین نسخه ادغام در فضای پس از شوروی تبدیل شد. اتحادیه مزبور با محوریت روسیه نوعی اتحادیه گمرکی است که قصد دارد تعرفه‌های خارجی واردات از کشورهایی که عضو اتحادیه نیستند را افزایش دهد؛ این اتحادیه تلاش می‌کند تا نفوذ روسیه را تضمین کرده و به آن مشروعیت ببخشد. از طرف دیگر ابتکار عمل کمربند-راه نیز به عنوان وسیله اصلی بلندپروازی‌های چین در منطقه اوراسیا عمل می‌کند. هدف اعلام شده طرح کمربند-راه چین نیز توسعه عوامل اقتصادی جدیدی است که به منظور ترویج موثرتر تخصیص منابع منطقه‌ای، تقویت ادغام بازار بین کشورهای اوراسیا و آفریقا و دریاهای اطراف انجام می‌شود، به عبارت دیگر هدف این طرح گسترش و تسهیل حمل‌ونقل و تجارت آزادتر برای تسهیل صادرات چین و دسترسی به منابع انرژی است. با وجود تفاوت در اهداف، واقعیت‌های ژئوپولیتیکی هر دو طرف را مجبور به همکاری کرده است. روسیه به روابط خوب با چین نیاز دارد تا با مشکلات خود با غرب مقابله کند و چین بر نقش تاریخی و امنیتی روسیه در منطقه واقف است؛ هر دو کشور مخالف حضور بیشتر غربی‌ها، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، در اوراسیا هستند؛ اهداف آنها در مبارزه با تروریسم و حفظ ثبات هم‌پوشانی دارد، همچنین سالها پس از آغاز بحران اوکراین<sup>۱</sup>، تلاش روزافزون روسیه برای تعمیق مشارکت استراتژیک خود با چین و تسریع در «محور اصلی» اعلام شده در این کشور مشاهده شده است. لذا به نظر می‌رسد در حال حاضر دو کشور به میزان کافی به هم نزدیک هستند تا بتوانند تنش‌های میان دیدگاه‌های منطقه‌ای خود درباره اوراسیا را مدیریت کنند. «به عنوان مثال ابتکار عمل کمربند-راه شی جین پینگ دست شرکت‌های چینی را برای ساخت جاده، راه آهن، کابل‌های فیبر نوری و سایر زیرساخت‌های سخت افزاری در سراسر اوراسیا و حتی فراتر از آن باز گذاشته است. از سوی دیگر اتحادیه اقتصادی اوراسیایی پوتین نیز تلاش می‌کند تا فرآیندهای گمرکی را برای ایجاد یک بازار واحد در میان کشورهای روسیه، ارمنستان، بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان هماهنگ کند. شی و پوتین بارها در اظهارات شخصی خود وعده داده‌اند که ابتکار کمربند-راه و اتحادیه

<sup>۱</sup> The Ukraine Crisis

اقتصادی اوراسیایی پیوند<sup>۱</sup> خواهند داد» (Manurung, 2019B). اما از آنجا که آنها دیدگاه‌های کلان نسبتاً متفاوتی دارند و نیز جزئیات عملی کمی در خصوص ادغام طرح‌های خود ارائه داده‌اند به ناظران اجازه می‌دهند تا درباره آینده روابط اقتصادی آنها حدس‌های متفاوتی بزنند. با تفاسیر فوق مقاله حاضر با هدف بررسی رویکرد چین و روسیه نسبت به نظم منطقه‌ای موجود در اوراسیا به عنوان دو کشور موثر در شکل‌گیری نظم حاضر و با تمرکز بر طرح‌های منطقه‌ای این دو حول این پرسش شکل گرفته است که آیا می‌توان همکاری راهبردی فعلی چین و روسیه در ابتکارات منطقه‌ای را دلیل کافی برای ادامه یافتن چنین رویکردی توسط دو کشور در آینده دانست؟ این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و در چارچوب نگاه مفهومی پاتریک مورگان<sup>۲</sup> و دیوید لیک<sup>۳</sup> به نظم‌های منطقه‌ای ذیل نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای با تمرکز بر ویژگی‌های همکاری‌های چین و روسیه در ابتکارات منطقه‌ای و حوزه‌هایی که مسکو و پکن دارای منافع متقابل هستند نشان می‌دهد که وجود محدودیت‌ها و موانعی که از عمق ادغام و هماهنگی ابتکارات دو کشور می‌کاهد و در کنار آن رویکرد کلان دو کشور نسبت به نظم منطقه‌ای در اوراسیا را می‌توان دلایلی برای حرکت مسکو و پکن از نظم کنسرتی کنونی به سمت نظم هژمون محور تلقی نمود. به عبارت دیگر موانع پیش‌رو و همچنین روایت‌های کلان چین و روسیه از نظم منطقه‌ای (طرح اوراسیایی بزرگ روسیه و طرح کمربند-راه چین) نشان دهنده تمایل نهایی و البته هنوز محدود دو کشور، برای تبدیل شدن به قدرت هژمون در فضای سیاسی و اقتصادی آینده اوراسیا است. یافته‌های مقاله که بر اساس گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، اسناد و منابع فضای مجازی می‌باشد به بررسی درستی فرضیه مقاله می‌پردازد.

## ۱- پیشینه پژوهش

در این راستا پژوهش‌های چندی توسط محققان صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به (Lukin, 2018: 75) اشاره کرد که در پژوهشی با عنوان «روسیه، چین و اوراسیایی بزرگ در حال ظهور» به این مساله می‌پردازد که روسیه و چین بر اساس منافع مشترک خود ارزش‌هایی را که غرب به آن برجسب جهانی می‌زند نمی‌پذیرند، بنابراین عمیق‌تر شدن روابط غیرقابل اجتناب است، زیرا اوراسیای بزرگ در حال شکل‌گیری است (Barryman, 2010:126). در پژوهشی با عنوان «روسیه و چین در اوراسیا: مشارکت محتاطانه»، پس از بررسی مختصر روابط روسیه شوروی و چین در چشم‌انداز تاریخی، روابط فدراسیون روسیه و چین را در سرتاسر سرزمین

<sup>1</sup>. Link

<sup>2</sup>. Patrick M Morgan

<sup>3</sup>. David A. Lake

وسیع اوراسیا که در امتداد جبهه جنوبی روسیه از مولداوی تا کره کشیده شده است، بررسی می‌کند. تمرکز تجزیه و تحلیل بر ادراکات، محاسبات و منافع است که تعاملات روسیه با چین در اوراسیا را شکل داده است. (Kaylan and Schoen, 2014) در پژوهشی با عنوان «محور چین و روسیه: جنگ سرد جدید و بحران رهبری آمریکا»، چین و روسیه را دو دشمن دیرینه میدانند که به دلیل منافع ژئواستراتژیک، سیاسی و اقتصادی به طور فزاینده‌ای نزدیک شده‌اند و بنابراین دارای دلایل مشترک برای کاهش، تضعیف یا جابجایی قدرت آمریکا در مناطق مختلف از جهان هستند و استدلال می‌کنند که تنها تولد دوباره رهبری جهانی آمریکا می‌تواند در برابر تاثیر خوردنده این اتحاد ضد دموکراتیک که به زودی صلح و امنیت جهان را تهدید خواهد کرد مقابله کند (Adami and Ainehvand, 2018:1). در پژوهشی با عنوان «چگونگی تقابل روسیه و چین با آمریکا در اوراسیا» در پاسخ به این مساله که چرا با وجود شکل‌گیری هدف مشترک میان روسیه و چین در عرصه عمل اتحاد ضد هژمونیک میان دو کشور شکل نگرفته است معتقدند ماهیت روابط دوجانبه آنان با آمریکا و پیشینه متفاوت روابط با آن، اولویت‌های متفاوت منافع ملی در کنار تفاوت جایگاه قدرت هر دو بازیگر از جمله دلایل عدم تحقق عملی نظریه اتحاد ضد هژمون می‌باشد.

با بررسی پیشینه‌های تحقیق مشاهده می‌شود که علی‌رغم اینکه موارد مطرح شده تا حدودی در راستای موضوع این مقاله هستند اما در موضوع حال حاضر سیاست‌های خارجی چین و روسیه در اوراسیا را که همان ابتکارهای منطقه‌ای دو کشور است مساله جهت‌گیری نظم مورد انتظار دو کشور را بررسی نمی‌کنند. لذا در این مقاله تلاش می‌شود تا حدودی ضعف تحقیقات پیشین را برطرف کند. از سوی دیگر با ادغام ابتکارات منطقه‌ای چین و روسیه تحقیقات فراوانی مطرح شد که از زوایای مختلف به این بحث پرداخته‌اند اما اینکه ماهیت اصلی ادغام چیست و محتمل است چه نتیجه‌ای مورد نظر دو کشور باشد تا حدودی مغفول واقع شده که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

## ۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری: نظم‌های منطقه‌ای

بوزان<sup>۱</sup> و ویور<sup>۲</sup> معتقد بودند که «پس از پایان جنگ سرد دولتها اساساً بر اساس سه گرایش نظری عمومی عمل می‌کنند: نواقح‌گرایی، جهانی شدن و منطقه‌گرایی. آنها معتقد بودند عرض و پیچیدگی مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای گسترش یافته است. دولت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای، با ترکیب عناصر نو واقع‌گرایانه و جهانی شدن که به طور مشترک منعکس‌کننده مسائل سرزمینی و

<sup>1</sup>. Barry Buzan

<sup>2</sup>. Oli Waever

امنیتی هستند، روابطی سلسله مراتبی را ایجاد می‌کنند که به عنوان مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند» (Buzan and Waever: 2003: 11). «مورگان<sup>۲</sup> و لیک انواع الگوهای روابط در درون مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای را که از آن تحت عنوان «نظم منطقه‌ای»<sup>۳</sup> یاد می‌کنند در طیفی دسته‌بندی می‌کنند که به ترتیب امنیت از راه موازنه قدرت، امنیت از راه کنسرت، امنیت از راه مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه، امنیت در جامعه امنیتی کثرت‌گرا و امنیت از راه همگرایی را شامل می‌شود» (Lake and Morgan, 1997: 111).

بر مبنای روش‌های مورد استفاده قدرت‌های منطقه‌ای در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای؛ انواع نظم‌های منطقه‌ای به این شکل قابل تعریف است: نظم هژمون محور<sup>۴</sup>؛ در این نوع نظم قدرت برتر نقش اصلی را داشته و کلیه روابط و مناسبات منطقه‌ای را اداره می‌کند؛ نظم مبتنی بر قدرت<sup>۵</sup>؛ نظمی که در آن چند قطب قدرت منطقه‌ای یکدیگر را متوازن و متعادل می‌کنند؛ نظم کنسرتی<sup>۶</sup>؛ در این نظم دو یا چند قدرت بزرگ در ایجاد نظم و امنیت منطقه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ نظم امنیتی همگرا<sup>۷</sup>؛ در این نوع نظم منطقه‌ای در کنار قدرت‌های برتر منطقه، قدرت‌های کوچکتر نیز مشارکت می‌کنند در حالی که برای قدرت‌های برتر قائل به نقش مدیریت نظم نیستند و نظم بدون ساختار<sup>۸</sup>؛ این گونه فاقد ترتیبات امنیتی رسمی و گاهی همراه با تخاصم قدرت‌های بزرگ است» (Frazier and Stewart-Ingersoll, 2010: 738).

در واقع تقسیم‌بندی فوق بر این مبنای قرار گرفته است که صرف یک قدرت منطقه‌ای بودن زمینه‌ای را برای درگیری و همکاری بیشتر در میان کشورها فراهم نمی‌کند. بلکه این رفتار و نگرش قدرت منطقه‌ای در مورد قرار گرفتن در معرض و پذیرش سایر قدرت‌ها است که اهمیت دارد. «روشی که قدرت منطقه‌ای برای پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای خود اتخاذ می‌کند اهمیت دارد چه این روش مبتنی بر هژمونی یا همکاری و چه مثبت یا منفی باشد. در حقیقت روش‌های پیاده‌سازی شده توسط قدرت‌های منطقه‌ای، همکاری یا عدم همکاری سایر بازیگران منطقه‌ای و همچنین ثبات منطقه‌ای، بی‌ثباتی یا نظم، هرج و مرج را ایجاد می‌کند» (Mulugeta, 2014: 33).  
مرشایمر توضیح می‌دهد «حتی آن دسته از کشورها که از ظرفیت و تمایل به طرح قدرت در

<sup>1</sup>. Regional Security Complexes

<sup>2</sup>. Patrick.M Morgan

<sup>3</sup>. Regional Order

<sup>4</sup>. Hegemony-based

<sup>5</sup>. Strength-based

<sup>6</sup>. Concert-based

<sup>7</sup>. Integration-based

<sup>8</sup>. Unordered

فواصل زیاد جغرافیایی برخوردارند، در ابتدا به دنبال سلطه بر سیستم منطقه‌ای خود هستند. آنها پس از رسیدن به این جایگاه، به دنبال جلوگیری از گسترش نفوذ قدرت‌های بزرگ در مناطق دیگر بر می‌آیند؛ یعنی، هژمون‌های منطقه‌ای همتا نمی‌خواهند (Mearsheimer, 2001: 40-42). اگر چه می‌توان با این نکته که هژمونی منطقه‌ای هدف همه قدرت‌های بزرگ است موافق نبود (Frazier and Stewart-Ingersoll, 2010:744). با این حال نکته این است که حتی قدرت‌های بزرگ نیز در وهله اول به دنبال اهداف خود در مناطق خودشان هستند. و در مرحله دوم در سطح سیستم بین‌المللی.

لیک معتقد است «تفاوت اساسی و مهم میان تجربه نظم کنسرت در قرن نوزدهم و زمان حاضر نقش بسیار مهم اقتصادی بین‌المللی در محاسبات و برآوردهای سیاسی است. علت آن که برخی از کشورها تسلیم فشارهای کنسرت می‌شوند تا اندازه‌ای به این سبب است که آنها معتقدند دستیابی به یک توافق باب تازه‌ای برای بهره‌مندی از امکانات و خدمات‌های اقتصادی می‌گشاید. اما زمینه اقتصادی فقط برای کشورهای کوچکتر مهم نیست. مهم‌ترین محرکی که چین و تا اندازه‌ای روسیه را چونان اعضای کنسرت در صحنه نگاه می‌دارد دسترسی به اقتصاد غرب و اکنون اقتصاد جهانی است. قدرت‌های بزرگ همواره ذی‌نفع‌های عمده در نظام‌هایی هستند که در راس آنها قرار دارند و چه بسا نخستین تأثیرپذیرفتگان از اختلال و به هم خوردگی این نظام‌ها به شمار می‌روند» (Lake, 2009).

اگرچه به نظر می‌رسد که «در دهه‌های اخیر، بازیگران منطقه‌ای به اهمیت ادغام منطقه‌ای پی برده‌اند و قدرت‌های منطقه‌ای برای دستیابی به نوعی همکاری در مناطق بیشتر تلاش می‌کنند به عبارت دیگر دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مناطق و قدرتهای منطقه‌ای می‌توانند به ساختار، منابع و جوامع بین‌المللی دسترسی داشته باشند و در توزیع قدرت و نظم جهانی مطابق با منافع خود، از طریق ایجاد ثبات منطقه‌ای، امنیت، همکاری و صلح دست یابند» (Destradi, 2010: 912).

### ۳- تاریخچه: مشارکت چین و روسیه در ابتکارات منطقه‌ای

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی<sup>۲</sup> یک اتحادیه اقتصادی شامل ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه است. این اتحادیه تعرفه مشترک در مرزهای خارجی خود اعمال می‌کند. «اتحادیه اوراسیایی با مصر، ویتنام، ایران، سنگاپور و صربستان توافق‌نامه تجارت آزاد منعقد کرده است. پیش از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ بنیانگذاران اتحادیه اوراسیایی آرزوهای زیادی برای

<sup>۱</sup>. David. A Lake

<sup>۲</sup>. Eurasian Economic Union (EAEU)

ایجاد یک طرح بزرگ وجود، پس از تقابل روسیه و کشورهای غربی، اتحادیه اوراسیایی با افزایش علاقه به توسعه روابط اقتصادی نزدیک‌تر با چین، جاه‌طلبی‌های خود را از «مورمانسک»<sup>۱</sup> به «هنگ کنگ»<sup>۲</sup> تغییر داده است» (Svetlicinii, 2019). «کمر بند اقتصادی جاده ابریشم»<sup>۳</sup> نیز بزرگترین بخش ابتکار کمر بند-راه<sup>۴</sup> چین به عنوان برنامه‌ای به شدت جاه‌طلبانه با هدف سرمایه‌گذاری یک تریلیون دلاری در زیرساخت‌های جدید حمل‌ونقل و تجارت میان چین و دیگر نقاط جهان است. ابتکار کمر بند-راه شامل شصت کشور جهان در دو بخش است: جاده ابریشم دریایی<sup>۵</sup> در طول مسیرهایی دریایی چین و کمر بند اقتصادی جاده ابریشم با هدف بهبود اتصالات جاده‌های زمینی اوراسیا به اروپا» (Gurcan, 2020: 131). «در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۵، روسیه و چین بیانیه مشترکی را در مورد همکاری برای اتصال اتحادیه اوراسیایی و ابتکار کمر بند-راه صادر کردند، جایی که روسیه حمایت خود را از این ابتکار اعلام کرد و چین با تلاش روسیه در پیش‌برد ادغام اقتصادی اتحادیه اوراسیایی موافقت کرد. در اکتبر ۲۰۱۶ نیز چین و اتحادیه اوراسیایی مذاکرات یک ساله در مورد همکاری‌های تجاری و اقتصادی شامل پنج دور گفتگو، سه جلسه کارگروه‌های مشترک و دو رایزنی وزیران را آغاز کردند. در ۱۷ مه ۲۰۱۸، چین و اتحادیه اوراسیایی توافق‌نامه همکاری تجاری و اقتصادی را امضا کردند که شامل همکاری‌های گمرکی، تسهیل تجارت و حقوق مالکیت معنوی همراه با موضوعات جدید مانند تجارت الکترونیکی بود که اولین توافق مهم سیستماتیک دو کشور به شمار می‌رود» (Pieper, 2020: 3).

#### ۴- موانع تداوم نظم منطقه‌ای چینی-روسی

##### ۴-۱- تعارضات ساختاری

همان‌طور که اشاره شد شی جین پینگ<sup>۶</sup> و پوتین<sup>۷</sup> در سال‌های اخیر آنچه را که ادعا می‌کنند «تلاشی طولانی مدت در جهت ادغام اقتصادی بیشتر منطقه اوراسیا» (Sergi, 2018:54) است، آغاز کرده‌اند. پوتین در سال ۲۰۱۹ گفت «من فکر می‌کنم اگر تلاش کنیم آژانس‌ها، سازمان‌ها و حتی مفاهیم از قبل تاسیس شده برای ایجاد یک شبکه یکپارچه را گسترش دهیم آن‌گاه قادر خواهیم بود به آنچه من بارها گفته‌ام یعنی مشارکت اوراسیای بزرگ برسیم» (Van Der Togt, 2020)، اما

<sup>1</sup>. Murmansk

<sup>2</sup>. Hong Kong

<sup>3</sup>. Silk Road Economic Belt (SREB)

<sup>4</sup>. The Belt -Road Initiative

<sup>5</sup>. Maritime Silk Road

<sup>6</sup>. Xi Jinping

<sup>7</sup>. Vladimir Putin

شاید بتوان گفت به دلایل زیر تحقق چنین اهدافی در عمل چندان آسان نخواهد بود.

#### ۱-۱-۴- اختلاف در سطح قدرت اقتصادی

شی و پوتین از افزایش سطح تجارت دوجانبه صحبت می‌کنند، معیاری که اگرچه بر پیشرفت و مشارکت تأکید دارد اما در واقع به عنوان پوششی برای وابستگی بیشتر روسیه به چین است. در سال ۲۰۰۶ پوتین هدف افزایش تجارت دوجانبه تا سال ۲۰۱۰ را حداقل ۶۰ میلیارد دلار را اعلام کرد. رشد تجارت از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به جای بهبود یافتن، متوقف شد. سپس هدف رسمی به ۱۰۰ میلیارد دلار رسید که کشورها در سال ۲۰۱۸ به آن دست یافتند. سال گذشته (۲۰۱۹) تجارت دو جانبه تقریباً به ۱۱۰ میلیارد دلار رسید و دو رهبر هدف جدید ۲۰۰ میلیارد دلاری تجارت تا سال ۲۰۲۴ را اعلام کردند (Hillman, 2020: 2). بررسی سطح این اعداد تصویری را نشان می‌دهد که برای روسیه امیدوار کننده نیست. در سال ۲۰۱۰ چین از آلمان پیشی گرفت و به بزرگترین شریک تجاری روسیه تبدیل شد. به طور واضح، اتحادیه اروپا با رقم ۲۶۰ میلیارد دلار (۲۳۲ میلیارد یورو) تجارت در سال ۲۰۱۹ (یعنی بیش از دو برابر تجارت چین با روسیه، به عنوان بزرگترین شریک تجاری روسیه باقی مانده است. اما چین در سال‌های اخیر برای روسیه مهم‌تر شده است و ۱۵٫۵ درصد از کل تجارت آن در سال ۲۰۱۸ را تشکیل می‌دهد. در مقابل، روسیه ۰٫۸ درصد از کل تجارت چین در سال ۲۰۱۸ را تشکیل می‌دهد. بزرگترین صادرات روسیه یعنی انرژی از نظر استراتژیک مهم است، اما هرچه روابط تجاری بیشتر از یک طرفه شود، چین باید از نفوذ بیشتری به عنوان خریدار نسبت به روسیه به عنوان یک تأمین کننده برخوردار باشد» (Zemanek, 2020: 203).

#### ۱-۲-۴- عدم تقارن در ساختار و اهداف تجاری

«در حال حاضر هم در مقدار نسبی تجارت متقابل و هم در ساختار صادرات و واردات متقابل در داخل اتحادیه اوراسیایی و کمربند اقتصادی جاده ابریشم یک عدم تقارن کلی وجود دارد. در حالی که منابع معدنی و انرژی بیشترین سهم صادرات کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی را تشکیل می‌دهند، واردات آنها عمدتاً ماشین‌آلات و منسوجات از چین است. علی‌رغم اینکه اولویت چین و روسیه بر زیرساخت‌های حمل‌ونقل قرار دارد منطقه آسیای مرکزی تا حدود زیادی پیرامون آنها باقی مانده است. از نظر روسیه بازارهای آسیای مرکزی تنها بخشی از فضای اقتصادی اتحادیه اوراسیایی است. و فقط ۱ درصد از صادرات چین از طریق مسیرهای زمینی از جمله منطقه آسیای مرکزی انجام می‌شود» (Bordachev, 2020). در حقیقت ادغام اقتصادی چیزی فراتر از اتصال فیزیکی و شبکه‌های حمل‌ونقل است. این امر همچنین به معنای توسعه ظرفیت‌های مشترک صنعتی با ارائه امکانات مشترک صنعتی نوآورانه از جمله شبکه انتقال فناوری اوراسیا، سیستم عامل‌های فناوری و مراکز مهندسی است.



همچنین احتیاط روسیه برای حفظ حاشیه امنیت صنایع خود نیز پیشنهادات بلندپروازانه برای ادغام عمیق‌تر را محدود می‌کند. «روسیه اتحادیه اوراسیا را هدایت می‌کند و برای محافظت از صنایع ضعیف‌تر خود توافق‌نامه‌های تجاری نسبتاً متوسطی را با شرکای خارجی دنبال کرده است. توافق‌نامه تجارت اتحادیه اوراسیایی و چین که در سال ۲۰۱۸ گذشته لازم‌الاجرا شد تعرفه‌ها را پایین نمی‌آورد. مقامات روسی همچنین در برابر ایجاد منطقه تجارت آزاد که اعضای سازمان همکاری شانگهای را تحت پوشش خود دارد مقاومت می‌کنند. با توجه به گستردگی چین، روسیه احتمالاً به اجتناب از ترتیبات تجاری عمیق‌تر ادامه خواهد داد. این استراتژی از نظر سیاسی قابل درک است اما از نظر اقتصادی تضعیف‌کننده است» (Rolland, 2019). هر چه روسیه بیشتر منتظر بماند زنجیره‌های تولید پیچیده‌تری از کالاهای با ارزش بالاتر در چین می‌شود. در نتیجه روسیه ممکن است کمتر و کمتر قادر باشد از طرح خود محافظت کند.

علاوه بر آن چین قراردادهای دوجانبه را ترجیح می‌دهد نه قرارداد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا. نکته مهم‌تر آن است که چین به کاهش موانع تجارت در راستای کمربند اقتصادی جاده ابریشم متعهد است، در حالی که اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حال ساخت یک اتحادیه گمرکی است که تعرفه‌های نسبتاً بالایی دارد و تحقیقات ضد دامپینگ<sup>۱</sup> (قیمت شکنی) علیه محصولات چینی را آغاز کرده است. اگر زمانی در روابط چین و روسیه «تقسیم کارناگفته» وجود داشت که در آن مسکو به عنوان سرپرست امنیت منطقه‌ای نقش فعالی داشت و حوزه اقتصادی را به چین تسلیم می‌کرد، اکنون عدم تعادل در این رابطه شکل گرفته است. چین فعالانه خود را درگیر مسائل امنیتی و سرمایه‌گذاری در حوزه نظامی کرده است» (Yu, 2019). «در سفر شی جین پینگ رهبر چین به ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان در سپتامبر ۲۰۱۳، توافق‌نامه سرمایه‌گذاری و وام به ارزش ۴۸ میلیارد دلار امضا شد، که قزاقستان ۳۰ میلیارد دلار، ازبکستان ۱۵ میلیارد دلار و قرقیزستان ۳ میلیارد دلار دریافت کنندگان این وام‌ها بودند. بیشتر این بودجه به طرح‌های انرژی منطقه‌ای اختصاص داده شد که برای تأمین منابع چین از طریق آسیای مرکزی طراحی شده بود» (Manurung, 2019A: 25).

با وجود تأثیرات مثبت افزایش تجارت میان اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ابتدای تشکیل اتحادیه، تأثیر این همگرایی بر اقتصاد کشورهای عضو تضعیف شده است. «افزون بر این اگر اتحادیه بخواهد بر تعمیق همگرایی به میزان بیشتر تأکید کند، ممکن است کشورها عضو بخشی از حاکمیت خود را از دست بدهند. به همین دلیل اتحادیه برای سایر اعضای بالقوه جذابیت کمی دارد. اما اگر اتحادیه بخواهد اعضای بیشتری را جذب کند سطح همگرایی

<sup>۱</sup>. Anti-dumping

<sup>۲</sup>. Unspoken Division of Labor

اقتصادی در حد پایینی خواهد بود» (Xiaoding, 2019:39). «تاثیر تنوع تجاری ناشی از تشکیل اتحادیه هم کم است چون حجم مبادلات تجاری اتحادیه در سطح پایینی قرار دارد. کشورهای عضو هنوز به تعرفه گمرکی یکسان دست نیافته‌اند. همچنین موانع تجاری دیگری از قبیل محدودیت‌های سهمیه، موانع فنی و وجود فساد در ارائه خدمات گمرکی وجود دارد» (Yeliseyev, 2019). چین در تلاش است تا شرایط مطلوبی را برای تبلیغ محصولات خود در بازار جهانی و همچنین توسعه استان‌های غربی خود و منطقه خودمختار اویغور سین کیانگ ایجاد کند که منجر به نگاه به اتحادیه اوراسیایی به عنوان یک کریدور ترانزیت و بازار بالقوه فروش می‌شود. این به نوبه خود با هدف اتحادیه اوراسیایی در صنعتی‌سازی اقتصاد کشورهای عضو آن که بعداً در سیستم بین‌المللی تقسیم کار ادغام می‌شوند مغایرت دارد. «علاوه بر این ایده ایجاد ارز واحد<sup>۱</sup> برای کمربند اقتصادی جاده ابریشم به طور فعال توسط کارشناسان در چین در حال بحث است» (Pietrobon, 2019: 25-35).

### ۳-۱-۴- چالش همکاری در حوزه انرژی

این مساله بسیار مهمی است که این ابتکارات منطقه‌ای تاکنون موفق به ایجاد بازارهای مشترک انرژی نشده‌اند. کشورهای عضو شرکت کننده از شرایط ترجیحی برای صادرات و واردات انرژی در اتحادیه اوراسیایی و کمربند اقتصادی جاده ابریشم برخوردار هستند، اما بدون بازارهای مشترک انرژی روابط انرژی پایداری برقرار نیست. قالب‌های عمدتاً دو جانبه مذاکره برای شبکه‌های انرژی فرامرزی و روابط صادرات و واردات انرژی از ایجاد مکانیزم حاکمیت انرژی منطقه‌ای به بازیگران جلوگیری می‌کند و در مورد چند موضوع حساس انرژی از یک موقعیت مشترک برخوردار هستند (Shakhanova, 2020). حتی اگر همکاری در بخش انرژی اغلب در اتحادیه اوراسیایی و کمربند اقتصادی جاده ابریشم به عنوان همکاری استراتژیک ارزیابی شود، اما هنگام تأسیس یک بستر منطقه‌ای و مکانیسم‌های نظارتی، روابط انرژی با چالش‌های بیشتری روبرو هستند. در حالی که اتحادیه اوراسیایی فقط یک دستگاه نهادی اسمی است، ابتکار کمربند اقتصادی جاده ابریشم نیز فقط برنامه‌ای است که فعالیت آن بر اساس توافقات دو جانبه است.

### ۴-۱-۴- اختلاف در استانداردها

یک چالش بزرگ هم برای اتحادیه اوراسیایی و هم برای چین می‌تواند اختلاف بین استانداردهای اروپایی و استانداردهای چینی باشد. «این موضوع به ویژه در مورد فناوری‌های جدید مانند اتصالات دیجیتال و هوش مصنوعی صدق می‌کند. از دید کارشناسان چینی، برای تضمین حال و آینده چین بایستی تولید و ارتقاء استانداردهای چینی تسریع شود چرا که قدرت

<sup>1</sup>. Currency

بین‌المللی بازار و رقابت بر سر استانداردها و قوانین است» (Bossuyt and Bolgova, 2020:240).

#### ۵-۱-۴- ابهام در اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری

به طور کلی پس از گذشت هفت سال از اعلامیه کمربند-راه زمان خوبی برای بررسی همکاری بین چین و کشورهای آسیای مرکزی است. «روابط بین چین و کشورهای آسیای مرکزی ممکن است حتی توسط ناظران دوست نیز مورد انتقاد قرار گیرد. حداقل تعداد مشاغل موجود در این کشورها با رشد نگرش‌های ضدچینی در این کشور قابل مقایسه نیست. پیشرفت محسوسی در توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای وجود ندارد. در این مرحله رهبران چین بیشتر نگران مشکلات جدی داخلی به طور عمده اپیدمی کووید ۱۹ هستند» (Bordachev, 2020). در حالی که توافق‌نامه‌های چین و روسیه می‌بایستی منجر به یک رویکرد هماهنگ در اتحادیه اوراسیایی و کشورهای عضو آن در قبال طرح‌های زیرساخت حمل‌ونقلی شود که در متن طرح کمربند-راه مشخص شده است «با این حال این توافق‌نامه‌ها هنوز از توافق‌نامه تجارت آزاد فاصله زیادی دارند، چرا که روسیه و سایر کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی از رقابت چین در بازارهای خود واهمه دارند به علاوه اکثر کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی مانند قزاقستان ترجیح داده‌اند به جای همکاری از طریق اتحادیه در مورد معاملات دوجانبه در قالب طرح کمربند-راه با چین وارد مذاکره شوند» (Van Der Togt, 2020).

#### ۶-۱-۴- عدم تقارن قدرت

چین که از حساسیت‌های مسکو آگاه است بسیار با دقت رفتار می‌کند. «پکن نیز مانند مسکو امیدوار است که نظم جدید اوراسیا، بدون نفوذ غرب و تا حدی یکپارچه، اما با مرکزیت چین و نه روسیه ظهور کند. برای جلوگیری از رقابت چین و روسیه، نخبگان چینی مایل به اعمال خویش‌داری، نشان دادن احترام به چشم‌انداز روسیه برای منطقه و حتی اجازه دادن به مسکو برای رفتار در قامت رهبری اوراسیا هستند. آنچه برای چین واقعاً مهم است ظاهر رهبری نیست بلکه واقعیت قدرت است» (Pietrobon, 2019: 25-35). اجازه دادن به روسیه برای پیشگامی در واقع می‌تواند به نفع چین باشد به ویژه در نقاطی که هنوز در مقایسه با روسیه ضعیف است. مسئله عدم تقارن قدرت عنصری حیاتی است که امنیت روسیه را نسبت به چین تغذیه می‌کند، اگر چه در حال حاضر موضوعی است که هر دو کشور آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند.

#### ۷-۱-۴- نقش رهبران

تا یک دهه دیگر ممکن است مشخص نباشد که مشارکت چین و روسیه تا چه اندازه به شخصیت‌های اقتدارگرا در مرکز آن بستگی دارد. در سال ۲۰۳۰، شی و پوتین به ترتیب ۷۷ و ۷۸ ساله خواهند بود. اگر آنها در قدرت بمانند وقایع غیر منتظره می‌توانند رابطه شخصی آنها را

<sup>۱</sup>. COVID-19

آزمایش کنند. انتقال رهبران در آسیای مرکزی می‌تواند آشفتگی و دیدگاه‌های مختلفی در مورد نحوه پاسخگویی در مسکو و پکن ایجاد کند. چین به دلیل تلاش چین برای محافظت از سرمایه‌گذاری و پرسنل خود در خارج از کشور و زیرساخت‌های ایجاد شده در قالب طرح کمربند-راه از جمله در آسیای مرکزی، احتمالاً لبه‌های نظامی تیزتری را بر سیاست خارجی خود خواهد افزود (Hillman, 2020:10). احتمال اینکه روسیه بتواند دوباره به غرب و فاصله گرفتن از چین متمایل شود در حال حاضر دور از ذهن به نظر می‌رسد. چین به اندازه کافی روسیه را تهدید نمی‌کند و همچنین نسبت به غرب به اندازه کافی اقبال نشان نمی‌دهد. اما وقتی نفوذ چین در حیط خلوت روسیه عمیق‌تر شود، حساب مسکو می‌تواند تغییر کند.

#### ۸-۱-۴- تهدیدات امنیتی

سرانجام تهدید وجودی برای موفقیت ادغام دو طرح بزرگ اوراسیایی وجود تهدیدهای امنیتی شامل بی‌ثباتی، قاچاق مواد مخدر از افغانستان، و رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه است (Paikin, 2020: 8).

در مجموع به نظر می‌رسد که در حال حاضر ایده «ادغام» طرح‌های ژئوپلیتیک روسیه و چین کاملاً نامشخص و مبهم است. به این ترتیب می‌توان فرض کرد که این طرح‌ها ممکن است در کنار هم باشند و منافع ژئوپلیتیکی کشورهای آغازکننده بدون این که مکمل یکدیگر باشند در چارچوب یک استراتژی واحد و تنها به دلیل عمل‌گرایی<sup>۲</sup> و بازیگر در صحنه بین‌الملل باقی بمانند.

#### ۲-۴- تشابه مسکو و پکن در ماهیت همزوم محور اهداف کلان

درک رویکرد مسکو و پکن به نظم منطقه‌ای در اوراسیا علاوه بر در نظر گرفتن مشارکت دو کشور در طرح‌های بزرگ اوراسیایی و شناخت موانع ساختاری نیازمند قرار دادن آن در متن گسترده سیاست خارجی چین و روسیه است. اگر نظم کنسرتی را نظمی بدانیم که در آن دو یا چند قدرت در ایجاد نظم و امنیت منطقه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند می‌توان گفت وضعیت کنونی منطقه اوراسیا با حضور چین و روسیه دارای مشخصات چنین نظمی است. در کنار محدودیت‌ها و موانعی که از عمق ادغام و هماهنگی ابتکارات دو کشور می‌کاهد هیچ یک از دو قدرت به ایفای چنین راهبردی قانع نخواهند بود و این شرایط را پیش زمینه‌ای برای حرکت به سوی نظم همزومیک و ایفای نقش اصلی در آینده روابط و مناسبات منطقه‌ای می‌دانند. در دیدگاه سنتی اهداف مسکو ترکیبی است امنیت، اعمال نفوذ سنتی قدرت بزرگ بر

<sup>1</sup>. Integration

<sup>2</sup>. Pragmatism

<sup>3</sup>. Hegemon-centered

همسایگان ضعیف‌تر و انکار راهبردی. «در دیدگاه رسمی روسیه مهم‌ترین تغییر ساختاری بعد از جنگ سرد؛ اهمیت فزاینده مناطق بوده است. بر اساس راهبردهای وزارت خارجه روسیه «ساختار در حال تغییر توازن نفوذ جهانی»<sup>۱</sup> به معنای از بین رفتن ساختار دو قطبی در سطح جهانی و توسعه گرایش‌ها به مرکز قدرت منطقه‌ای بوده است. برای مثال در سوم مارس ۱۹۹۳ شورای امنیت روسیه دومین سری از «اصول مفهومی»<sup>۲</sup> را تصویب کرد که همچنان بر منافع امنیتی روسیه در حفظ صلح در مرزهای اتحاد شوروی سابق تاکید می‌کرد» (Erokhin and Tianming, 2021: 34). «مقامات دولتی روسیه این حوزه منافع حیاتی را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که شامل همه کشورهای جانشین (ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، استونی، گرجستان، قزاقستان، لتونی، لیتوانی، مولدوای، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان، اوکراین و ازبکستان) و نه فقط و اعضای سی آی اس می‌شوند» (Friedberg, 2018: 53).

«در جلسه آوریل ۲۰۱۴ مقامات امنیتی سازمان همکاری شانگهای در دوشنبه پایتخت تاجیکستان، گوو شنگون<sup>۳</sup> وزیر امنیت عمومی چین پیشنهاد ایجاد مرکز همکاری شانگهای برای مبارزه با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی را ارائه داد که بیانگر این واقعیت است که دیدگاه رهبران چین در خصوص مفهوم سیاست خارجی اقتصادی و امنیتی در حال تغییر است. در واقع جمهوری خلق چین می‌ترسد که توافق ناگفته موجود با روسیه در زمینه‌های مربوط به نفوذ در آسیای مرکزی در زمینه شکل‌گیری ساختارهای اتحادیه اوراسیا در نهایت منجر به خارج شدن منطقه از حوزه نفوذ چین شود» (Fernandes and Ageeva, 2020: 525). در چنین حالتی شرایط بین‌المللی با سرد شدن روابط بین برخی از بازیگران از جمله روسیه و کشورهای غربی و تعمیق همکاری با برخی دیگر مشخص می‌شود، منجر به پیوند طرح‌های ژئوپلیتیک دو کشور شده است. «در حالت اول این احتمال وجود دارد که یک طرح مسلط خواهد شد و در طرح دیگری جذب می‌شود، در حالت دوم احتمال یک روند مذاکره طولانی وجود دارد که موقعیت کشورهای عضو حامی این دو را در نظر می‌گیرد. اگر گزینه مربوط به جذب را در نظر بگیریم شرایط عینی توسعه و ارزیابی‌های تخصصی نشان دهنده عدم توازن به نفع طرح چینی در مقابل ظرفیت اتحادیه اوراسیایی است» (Pietrobon, 2019: 25-35). از این نظر توجه به این نکته مهم است که اهداف اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و کمربند اقتصادی جاده ابریشم از یکدیگر جدا هستند. کمربند اقتصادی جاده ابریشم از طریق به رسمیت شناخته شدن از سوی یک قدرت بزرگ، به اتحادیه اقتصادی اوراسیا مشروعیت بیشتری می‌بخشد. «در پی منازعات بر سر اوکراین و پس از

<sup>1</sup>. The changing structure of the global influence balance

<sup>2</sup>. Conceptual principles

<sup>3</sup>. Guo Shengkun

آن تحریم‌های غرب طرح چین برای روسیه نوعی قطب اقتصادی و سیاسی جایگزین را فراهم می‌آورد که از فعالیت‌های شرق‌گرایی؛ محدودسازی نفوذ آمریکا و اروپا در منطقه و ترویج توسعه، ثبات اجتماعی و امنیت رژیم در آسیای مرکزی حمایت می‌کند. به گفته «تیموفی بورداچف» در دانشگاه ملی تحقیقات در مسکو «هدف اصلی روسیه آن است که کمربند اقتصادی جاده ابریشم را به ابزاری برای تقویت و بهبود اتحادیه اقتصادی اوراسیا تبدیل کند از رقابت این دو با یکدیگر جلوگیری کند و در آینده، منابع کمربند اقتصادی جاده ابریشم را به مبنایی برای ایجاد اوراسیای بزرگ اقتصادی و سیاسی تبدیل کند» (Iras, 2017).

چین تاکنون با گسترش بیشتر و ادغام عمیق‌تر خود در مورد اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ریاست روسیه نسبتاً آرام بوده است، «به نظر می‌رسد چین در تلاش است تا با ارتقا روابط نافذ اقتصادی و سرمایه‌گذاری با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی از جمله روسیه، منافع استراتژیک خود را دنبال کند. با این وجود بر اساس ماهیت توسعه طلب سیاست خارجی دو کشور احتمالاً برای نفوذ اقتصادی و استراتژیک بر سر کشورهای آسیای مرکزی بین مسکو و پکن یا به عبارتی دیگر بین اتحادیه اقتصادی و کمربند اقتصادی جاده ابریشم که توسط چین راه اندازی شده است رقابت خواهد شد. شی جین پینگ، رهبر چین در سفر خود به قزاقستان در سال ۲۰۱۳، ایجاد «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» با مشارکت کشورهای آسیای مرکزی را راهی برای اتصال چین به اروپا اعلام کرد» (Gurcan, 2020: 129). احتمال برخورد منافع اتحادیه اوراسیا و کمربند جاده ابریشم در آسیای مرکزی وجود دارد زیرا هر دو اهداف مشابهی از همکاری اقتصادی و ادغام را دنبال می‌کنند اگرچه روند و مکانیزم اجرای آن متفاوت است. چین ممکن است تهدیدی مستقیم برای اتحادیه اوراسیایی نباشد، اما از طریق نفوذ فعال اقتصادی در حال حاضر به مهم‌ترین شریک تجارت و سرمایه‌گذاری در منطقه تبدیل شده است که ممکن است توجه و تعهد اعضای اتحادیه اوراسیایی به ویژه کشورهای آسیای مرکزی را نسبت به روند ادغام با هدایت روسیه منحرف کند. جالب اینجاست که روسیه عضو اصلی اتحادیه اوراسیایی نیز برای تجارت و سرمایه‌گذاری به چین متمایل است.

چین نیز همانند سایر قدرتهای بزرگ و بر اساس اصل گسترش در سایه افزایش ثروت، همواره از دوران جنگ سرد به دنبال افزایش نفوذ منطقه‌ای خود بوده تا بتواند از یک بازیگر منفعل وابسته به شوروی به یک بازیگر فعال و مستقل تبدیل شود. «چین موفق شده از توانایی سرمایه‌گذاری زیرساختی که از رشد اقتصادی به دست آمده در تغییر توازن قدرت منطقه به نفع خود استفاده کند در واقع از آنجا که مزیت چین در اقتصاد است، پکن افزایش نفوذ خود را از

<sup>1</sup>. Timofei Bordachev

<sup>2</sup>. Silk Road Economic Belt

مسیر همکاری‌های تجاری و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی در نقاط مختلف جهان دنبال می‌کند» (Hedayati and Ramezani, 2019:76). توضیحات مختلفی در مورد اینکه چرا چین با کمربند اقتصادی جاده ابریشم به منطقه بزرگتر خود در اوراسیا قدم می‌گذارد ارائه شده است. «در این باره رشته‌ای از ادبیات ظهور کرده است که طرح کمربند-راه را در نگاه چین به عنوان یک طرح بزرگ ژئواستراتژیک با انگیزه بازسازی نظم اوراسیا و در پی آن نظم جهانی می‌بیند. شاخه دوم رویکرد اقتصاد سیاسی است» (Pieper, 2020 : 11). در این دیدگاه تأثیر کمربند اقتصادی جاده ابریشم بر آسیای مرکزی با تأکید بر اقدامات مالی چین و سرزنش «دیپلماسی دام بدهی» مورد توجه قرار گرفته است و تأکید می‌کند که دولت چین طرح‌هایی را در اقتصادهای منطقه تأمین مالی می‌کند که بعید به نظر می‌رسد دولت‌های گیرنده قادر به بازپرداخت آنها باشند بنابراین وابستگی سیاسی به چین افزایش می‌یابد.

در راستای تبدیل یک نظم منطقه‌ای به نظم هژمون محور، روسیه به حمایت مالی از کشورهای منطقه در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی می‌پردازد این در حالی است که چین با سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی کشورها را مقروض به خود می‌سازد. در مجموع به ویژه در مواردی که این تلاش‌ها به طور مستقیم با هم تداخل دارند از جمله در منطقه آسیای مرکزی ارتقا زیرساخت‌های «سخت» و «نرم» دو کشور تداوم خواهد داشت. «بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که چین و روسیه رقابت برای قدرت را از طرق غیر مستقیم مانند نظم منطقه‌ای جدید پیگیری نمایند، آنچنان که طرح اوراسیای بزرگ روسیه را نیز می‌توان بخشی از همان روند دانست به این معنی که که با تیره شدن روابط روسیه و غرب بعد از بحران اوکراین و به دنبال آن چرخش به شرق در سیاست خارجی روسیه، طرح اوراسیای بزرگ نشان دهنده تمایل روسیه برای بازگشت به حوزه نفوذ اصلی و شکل دادن به نظم منطقه‌ای بدون نفوذ غرب یا با کمترین حد آن است» (Niakoe and Safari, 2020: 189).

## نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر بررسی رویکرد چین و روسیه نسبت به نظم منطقه‌ای در اوراسیا بر اساس ابعاد همکاری دو کشور در مهمترین ابتکارهای منطقه‌ای خود یعنی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ابتکار کمربند-راه است. به طور کلی با توجه به مواردی که به آن پرداخته شد می‌توان گفت اگر چه همکاری راهبردی دو کشور در ابتکارات منطقه‌ای رویکرد کنونی چین و روسیه به نظم منطقه‌ای در اوراسیا را شکل داده است که بر مبنای مفهومی نظم مبتنی بر کنسرت قابل تعریف است، با این حال بنا بر دلایلی که به آن اشاره شد چنین نظمی تمایل به تبدیل شدن به نظم هژمون

<sup>1</sup>. Dept Trap Diplomacy

محوری را دارد که در آن هر یک از دو کشور چین و روسیه در صدد هدایت روابط بین دولت‌های منطقه بر اساس برتری‌های خود خواهند بود.

چین و روسیه با ادغام ابتکارهای منطقه‌ای در صدد تعمیق همکاری‌های خود بوده‌اند اما به دلیل تعارضات ساختاری و ماهیت اهداف کلان چین و روسیه، همکاری عمیق و رسمی‌تری بین دو کشور شکل نخواهد گرفت. هدف چین ساختن بنیانی محکم برای تبدیل شدن به تنها هژمونی آینده در اوراسیا است. اگرچه طرفداران چین در روسیه با نگاهی خوش‌بینانه معتقدند در صورت تحقق ابتکار کمربند-راه و دسترسی چین به بازارها و منابع انرژی و رونق اقتصادی مضاعف برای چین منافع آن شامل کشورهای منطقه خواهد شد. اما ماهیت متفاوت ابتکار جاده ابریشم چین و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و تعدادی از موانع قابل توجه که به آن پرداخته شده روابط دو کشور در اوراسیا را پیچیده و چندجانبه کرده است. به عبارت دیگر چین و روسیه در حال حاضر با اتخاذ راهبرد نظم مبتنی بر کنسرت به نحوی که ابتکارهای آنها منافع مشترکشان با کشورهای منطقه را در بر بگیرد هر یک هدف سوق دادن آن به نظم مبتنی بر هژمونی را در منطقه گسترده اوراسیا را دنبال می‌کنند.

طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم چین و اتحادیه اقتصادی اوراسیای روسیه هر دو ظرفیت اقتصادی قابل توجهی دارند و بر آینده اوراسیا تأثیر بزرگی خواهند داشت. اما عدم تقارن در حوزه سیاست، اقتصاد، تجارت، انرژی و ... نیز محرک‌های جدی است که نمی‌توانند نادیده گرفته شوند و در درازمدت بر نظم و هماهنگی دو کشور تأثیرگذار خواهد بود. بر اساس آنچه گفته شد اهداف اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و کمربند اقتصادی جاده ابریشم از یکدیگر جدا هستند، بنابراین به نظر نمی‌رسد چین و روسیه وضع کنونی را با محیط سرمایه‌گذاری پایدار اشتباه گرفته باشند. مسکو و پکن به عنوان دو قدرت برتر منطقه با پیاده کردن ابتکارهای منطقه‌ای سعی در استمرار و تقویت بعد اعمال قدرت و نفوذ خود در منطقه دارند. از سویی طرح‌های ادغام منطقه‌ای که بتوانند مزایای اقتصادی متقابل را تسهیل کنند تنها تا زمانی پایدار هستند که تعادل وابستگی بین طرف‌ها وجود داشته باشد. همکاری در اداره منطقه تا زمانی وجود خواهد داشت که ایجاد مانع در مقابل به چالش کشیدن وضعیت موجود توسط یک طرف ضروری باشد. با هم خوردن توازن در توانایی‌ها رویکرد کشور برتری خواه به سوی نظم هژمونیک سوق خواهد یافت. بنابراین موانع پیش روی ادغام و همچنین روایت‌های کلان چین و روسیه از نظم منطقه‌ای نشان دهنده گرایش نهایی و البته هنوز محدود دو کشور، برای تبدیل شدن به قدرت هژمون در فضای سیاسی و اقتصادی آینده اوراسیا است.



## References

1. Bordachev, T. (2020). Russia and the Conflict Between China and the United States. Available At: <https://valdaiclub.com/a/highlights/russia-and-the-conflict-between-china/>, Accessed on: 13 October 2020
2. Bossuyt, F., Bolgova, I. (2020). Connecting Eurasia: is cooperation between Russia, China, and the EU in Central Asia possible? Regional integration and future cooperation initiatives in the Eurasian Economic Union (pp. 234-250). IGI Global.
3. Buzan, Barry and Ole Waever (2003), *Regions and Powers: The Structure of International Security*, New York: Cambridge University Press.
4. Crisisgroup (2017). Central Asia's Silk Road Rivalri. Available at: <https://www.crisisgroup.org/europe-central-asia/central-asia/245-central-asias-silk-road-rivalries>, Accessed on: 2 October 2020
5. Destradi, S. (2010). Regional powers and their strategies: empire, hegemony, and leadership. *Review of international studies*, 903-930.
6. Erokhin, V., Tianming, G. (2021). Better Connectivity for Greater Eurasia: China–Russia Cooperation on the Development of the Economic Corridor in the High North. *The Law and Policy of New Eurasian Regionalization*. (pp 32-47). Brill Nijhoff.
7. Fernandes, S. D, Ageeva, V. (2020). Facing China in Eurasia: The Russian Perspective". *The Belt and Road Initiative* (pp. 523-540). Palgrave Macmillan, Singapore.
8. Frazier, D., Stewart-ingersoll, R. (2010). Regional powers and security: A framework for understanding order within regional security complexes. *European Journal of International Relations*, 16(4), 731-753
9. Friedberg, A.L. (2018). The Authoritarian Challenge China, Russia and the Threat to the Liberal International Order. Available at: <https://www.spf.org/en/seminar/list/24284.html>, Accessed on: 9 October 2020
10. Gurcan, E. (2020). The construction of "post-hegemonic multipolarity in Eurasia: A comparative perspective, *The Japanese Political Economy*, 46:2-3, 127-151, DOI:10.1080/2329194X.2020.1839911

11. Hedayati Shahidani, M., Ramazanpoor Shalmani, J. (2019). U.S. approach to China's Continued Economic-Military Development (Case Study: Donald Trump Presidency). *International Studies Journal (ISJ)*, 16(2), 71-91. **(In Persian)**
12. IRAS (2017). Silk Road Competitions in Central Asia, Available at: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/3436/>, Accessed on 11 October 2020. **(In Persian)**
13. Kaczmarek, M. (2017). Non-western visions of regionalism: China's New Silk Road and Russia's Eurasian Economic Union, *International Affairs*, Volume 93, Issue 6, 1357–1376. Doi: <https://doi.org/10.1093/ia/iix182>
14. Kremlin (2020). Available at :<http://en.kremlin.ru/events/president/news/63742>, Accessed on: 15 September 2020
15. Koolae, E., Hosseini Taghiabad, S. (2019). Science Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in the South Caucasus. *International Studies Journal (ISJ)*, 15(4), 99-131. doi: 10.22034/isj.2019.89553 **(In Persian)**
16. Lake, D.A. (2009). Regional hierarchy: authority and local international order, 35–58. doi:10.1017/S0260210509008420.
17. Lake, D.A. and Patrick M. M. (1997), *Regional Orders: Building Security in a New World*, Pennsylvania: Pennsylvania State University Press.
18. Manurung, H. (2019A). A Comprehensive Strategic Partnership: Synchronizing China's Belt and Road Initiative (BRI) on Russia's Eurasia Economic Union (EAEU), DOI: 10.33541/sp.v20i2.1442
19. Manurung, H. (2019B). Russia-China strategic partnership in the Indo-Pacific region: Synergizing greater Eurasia with Belt and Road Initiative, 2016-2018". *Jurnal Asia Pacific Studies*, 3(1), 25-42.
20. Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics: comprehensive statement of offensive realism*, New York, Norton
21. Mulugeta, K. (2014). The Role of Regional Powers in the Field of Peace and Security: The Case of Ethiopia, Ethiopia: Friedrich-Ebert-Stiftung. Retrieved from <http://library.fes.de/pdf-files/bueros/aethiopien/10879.pdf>. Accessed by 25.08.2020
- Niakoe, S., Safari, A. (2020). Role of Regional Initiatives in Transition from Unipolarity to Multipolarity System: The Case of Greater Eurasia Plan. *Central Asia and The Caucasus Journal*, 26(109), 176-196. **(In Persian)**

22. Paikin, Z. (2020). Through thick and thin: Russia, China and the future of Eurasian International Society. *Int Polit*, <https://doi.org/10.1057/s41311-020-00260-6>
23. Pieper, M. (2020). The linchpin of Eurasia: Kazakhstan and the Eurasian economic union between Russia's defensive regionalism and China's new Silk Roads. *Int Polit*. Doi: <https://doi.org/10.1057/s41311-020-00244-62>
24. Pietrobon, E. (2019). The Belt and Road Initiative and the Xi Jinping's dream for a Chinese-centered Eurasia: a perspective from the United States and Russia, *Geopolitical Report Volume 1*, Available at: [http://www.asrie.org/wp-content/uploads/2019/03/Geopolitical-Report-Volume-1\\_2019-Belt-and-Road-Initiative.pdf](http://www.asrie.org/wp-content/uploads/2019/03/Geopolitical-Report-Volume-1_2019-Belt-and-Road-Initiative.pdf), Accessed on: 29 October 2020
25. Rolland, N. (2019). A China–Russia Condominium over Eurasia, *Survival*, 61:1, 7–22, DOI: 10.1080/00396338.2019.1568043
26. Sergi, B. S. (2018). Putin's and Russian-led Eurasian Economic Union: A hybrid half-economics and half-political. *Journal of Eurasian Studies*, 9(1), 52-60. doi: <https://doi.org/10.1016/j.euras.2017.12.005>
27. Shakhanova ,G.Garlick, J. (2020). The Belt and Road Initiative and the Eurasian Economic Union: Exploring the Greater Eurasian Partnership, Doi: <https://doi.org/10.1177%2F1868102620911666>
28. Svetlicinii, A. (2019). China's Belt and Road Initiative and the Eurasian Economic Union: 'Integrating the Integrations', *Public Administration*, Issues3 (2): 7-20.
29. Van Der Togt, T. (2020). EU & Eurasian Economic Union: a Common Chinese Challenge, Available at: <https://www.clingendael.org/publication/eu-eurasian-economic-union-common-chinese-challenge>, Accessed on: 8 September 2020
30. Xiaoding, C. (2019). Approaches Forward for Shanghai Cooperation Organization's Participation in the Silk Road Economic Belt, *Geopolitical Report Volume 1*, Available at: [http://www.asrie.org/wp-content/uploads/2019/03/Geopolitical-Report-Volume-1\\_2019-Belt-and-Road-Initiative.pdf](http://www.asrie.org/wp-content/uploads/2019/03/Geopolitical-Report-Volume-1_2019-Belt-and-Road-Initiative.pdf), Accessed on: 1 November 2020
31. Yeliseyeu, A. (2019). The Eurasian Economic Union: Expectations, Challenges, And Achievements, *German Marshall Fund of the United States*, doi:10.2307/resrep21473
32. Yu, Z. (2019), Belt and Road Initiative: Defining China's Grand Strategy and the Future World Order, Available At: <http://nrs.harvard.edu/urn-3:HUL.InstRepos:37799759>

33. Zemanek, L. (2020). Belt & Road initiative and Russia: From mistrust towards cooperation, *Human Affairs*, 30(2), 199-211. <https://doi.org/10.1515/humaff-2020-0019>
34. Zotova, M.V., Kolosov, V.A. (2019). Russian-Chinese Interaction in the Context of the One Belt-One Road Initiative: Discourse Analysis. *Geogr. Nat. Resour.* 40, 306–314 <https://doi.org/10.1134/S1875372819040024>

